

مقام علمی و فلسفی حمیدالدین کرمانی

□ دکتر مهدی محقق

حمیدالدین احمد بن عبدالله کرمانی که در زمان حاکم خلیفه فاطمی مصر از داعیان بزرگ بوده و تبلیغ عراقین یعنی عراق عجم و عراق عرب. به او واگذار شده بوده است و از همین جهت به او لقب «حجة العراقین» داده شده از بزرگان اندیشه و تفکر در مذهب اسماعیلیه به شمار می‌رود. یکی از داعیان اسماعیلی قرن نهم یعنی ادریس عمادالدین (متوفی به سال ۸۷۲ هـ) چگونگی و علت پیوستن او را به دربار خلافت الحاکم بامر الله چنین بیان می‌دارد که در زمان حاکم گمراهی و غلو شیوع یافت و شک و حیرت در امر دین بر مردم مستولی گشت تا آنکه حجة العراقین عبدالله حمیدالدین کرمانی از وطن خود همچون باران رحمتی که به زمین خشک می‌ریزد وارد شد، و در این مورد از کرمانی با این عبارت یاد می‌کند: «باب الدعوة الذي فصل الخطاب، و لسانها الناطق بفصل الجواب، ذوالبراهین المضیه والدلائل الواضحه الجلیه. حجة العراقین احمد بن عبدالله الملقب بحمیدالدین الکرمانی قدس الله روحه و رضی عنه».

او سپس می‌گوید که حمیدالدین وطن و جایگاه خود را ترک گفت و به سرزمین مصر وارد شد همچون بارانی که به سرزمین خشک وارد می‌شود و با بیان خود آن تاریکی وحشت‌زا را روشن گردانید. نظام تبلیغاتی اسماعیلیه چنان بود که حوزه دعوت و تبلیغ را به دوازده ناحیه تقسیم کرده بودند و به هر ناحیه‌ای نام «جزیره» اطلاق می‌کردند و آن که مامور تبلیغ بود «حجت جزیره» یا «صاحب جزیره» نامیده می‌شد و از خصائص حجت‌های اسماعیلیه این بود که بر علوم عقلی و نقلی زمان تسلط داشته باشند و در فن سخنوری و جدل و مباحثه، ماهر باشند تا بتوانند در هنگام مناظرات دینی و مذهبی بر خصم فائق آیند. به قول ناصر خسرو:

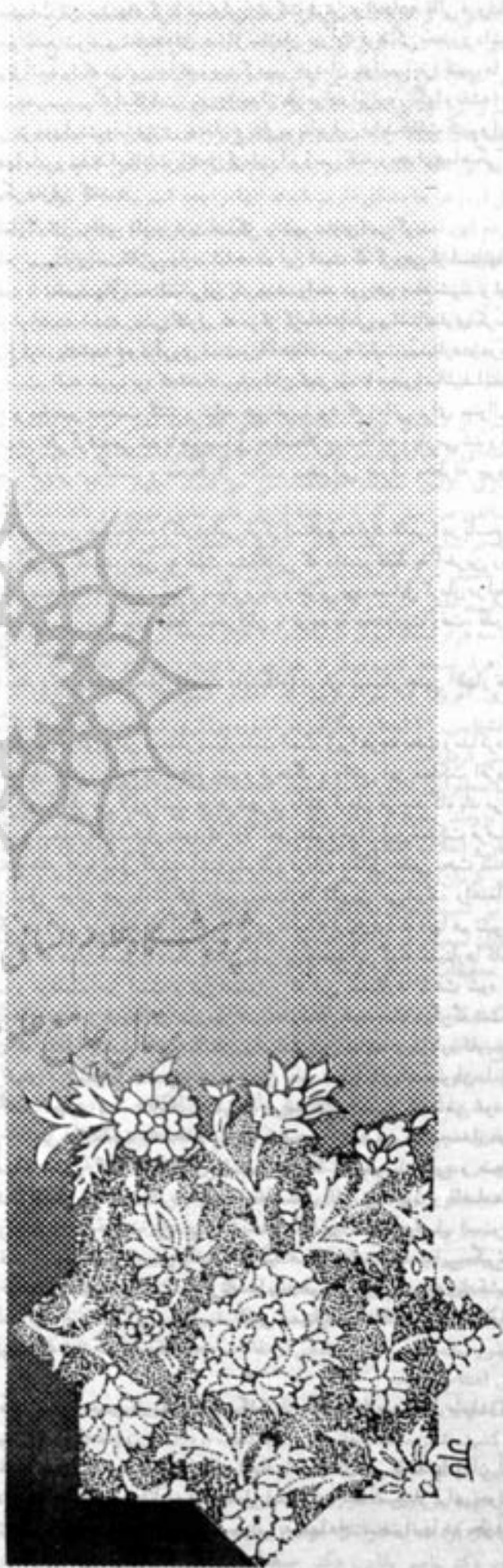
زیشان بهر اقلیم یکی تند زبانیست

گویا به صلاح گرمی کز صلحانند

بر اهل ولا ابر صلاحند و بر آنهاک

نه اهل ولا اند مثل باد بلانند

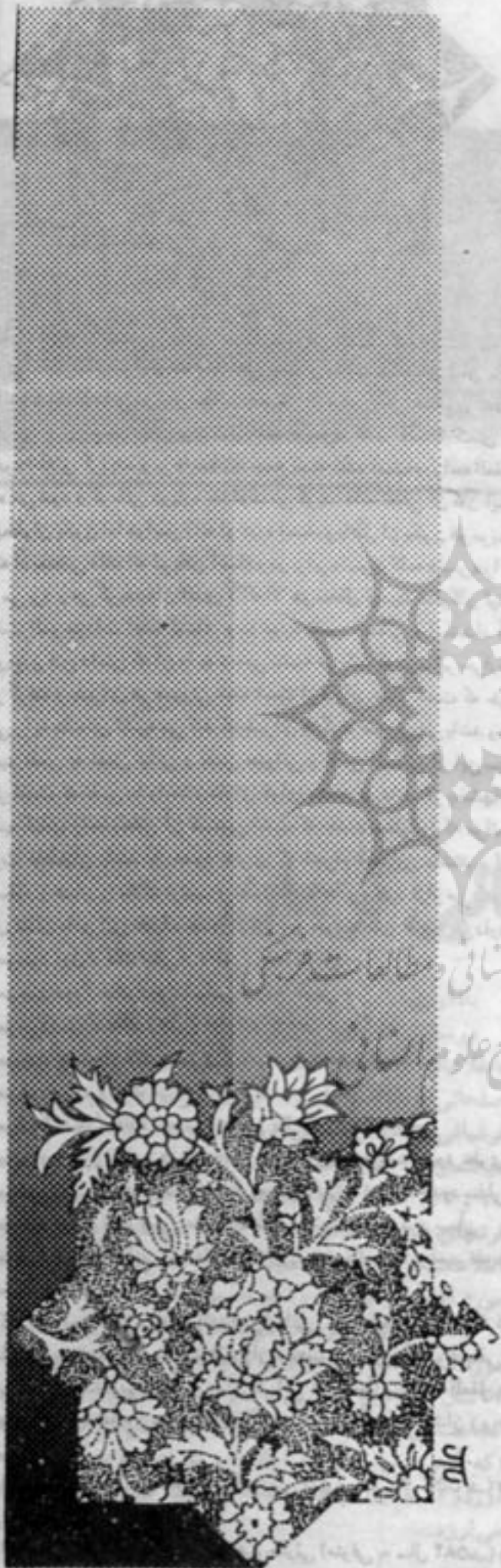
در سلسله مراتب دعوت فاطمینان «حجت» در ارتباط با «داعی الدعاة» بود و همچنانکه ناصر خسرو به عنوان «حجت خراسان» زیر نظر المویذ فی الدین داعی الدعاة شیرازی بوده، حمیدالدین کرمانی به عنوان «حجة العراقین» زیر نظر ختکین ضیف بوده که کرمانی در یکی از رساله‌های خود او را با این عبارات توصیف می‌کند: «اصدقهم لهجه و ادهم امانه و اقومهم دیانه و اثبتهم فی الطاعة قدما و اقدمهم فی الهجرة قدما». کلمه «عراقین» را که در لقب کرمانی آمده برخی عراق و فارس تفسیر کرده‌اند و برخی دیگر به عراق عجم و عراق عرب به دلیل آن که او کتابی تحت عنوان «المجالس البغدادیة والبصریة» داشته که نشان دهنده آنست که در آن دوشهر مجلس وعظ و تذکیر و دعوت و تبلیغ داشته است و در آغاز کتاب «راحة العقل»، خود را «الداعی بجزیره العراق» می‌خواند. از آغاز زندگی و دوران تحصیل کرمانی اطلاعات قابل توجهی در دست نیست ولی آثار و تالیفات او در بسیاری از کتابخانه‌های جهان یافت می‌شود. اسماعیل یوناوالا در کتاب «کتابشناسی نوشته‌های اسماعیلی» که در سال ۱۹۷۷ در دانشگاه کالیفرنیا چاپ شده کتابهای زیر را از حمیدالدین کرمانی یاد می‌کند: ۱- راحة العقل ۲- کتاب الرياض ۳- الاقوال الذهبیه فی الطب الروحانی ۴- تاج العقل ۵- میزان العقل ۶- اکلیل النفس ۷- المصابیح فی اثبات الامانه ۸- معاصم الهدی والاصابه فی تفضیل علی علی اصحابه ۹- تنبیه الهادی والمستهدی ۱۰- الرسالة الوصیه فی معالم الدین ۱۱- کتاب المقایس.



فی الرد علی الفلاة واشباههم ۱۲- الرد علی من ینکر العالم الروحانی
 ۱۳- خزائن الادله ۱۴- الرسالة الدریة فی معنی التوحید والموحد
 والموحد ۱۵- رسالة النظم فی مقابلة العوالم بعضها بعضاً بما فیها
 من الموجودات ۱۶- الرسالة الرضیه فی جواب من یقول بقدم الجوهرو
 حدوث الصورة ۱۷- الرسالة العضیه فی الامر والامر والمأمور و فیها رد
 قول صاحب المقالید ۱۸- الرسالة اللازمه فی صوم شهر رمضان ۱۹-
 الرسالة الروضه فی الازلی والازل ۲۰- الرسالة الزاهره فی جواب
 مسائل الداعی ابی یعقوب السجستانی ۲۱- رساله میاسم البشارت
 بالامام الحاکم بمراته ۲۲- الرسالة الواعظه عن مسائل العارِق من الدین
 حسن الفرغانی الاجدع ۲۳- الرسالة الکافیة فی الرد علی الهارونی
 الحسینی الزیدی ۲۴- الرسالة التوحید فی المعاد ۲۵- رساله فی معرفه
 الحدود والمعاد ۲۶- الرسائل التأویلیه ۲۷- رساله الشعری فی الخواص
 ۲۸- الرسالة اللیلیه ۲۹- رساله المفاوز والحدائق ۳۰- رساله الفهرست
 او الفهرسه ۳۱- کتاب النقد والالزام ۳۲- کتاب الخزائن فی فنون العلم
 والتاویل ۳۳- المجالس البصریه و البغدادیه ۳۴- فصل الخطاب و
 ابانه الحق المتجلی عن الارتیاب ۳۵- رساله المعارج ۳۶- رساله اسبوع
 الستر.

از آثار مهم حمیدالدین کرمانی که چاپ شده کتابهای: راحة العقل و
 الاقوال الذهبیه والریاض و مجموعه رسائل اوست. کتاب راحة العقل به
 وسیله دکتر محمد کامل حسین و دکتر محمد مصطفی حلمی مورد
 تصحیح قرار گرفته و با مقدمه ای تفصیلی در سال ۱۳۵۲ در قاهره به
 وسیله دارالفکر العربی چاپ شده است. کرمانی راحة العقل را در سال
 ۴۱۱ هجری در دیار عراق تألیف کرده و در وجه تسمیه آن در آغاز کتاب
 می گوید که «این کتاب را «راحة العقل» نامیدم زیرا اسوار و مشارع آن
 مشتمل بر مطالبی است که در کتابها و صحیفه های دیگر به صورت ایماه
 و اشاره یاد شده و نیز جامع مباحثی است که عقل راحت خود را در این
 هدف مقدس درمی یابد. بر خلاف دیگران که کتابهای خود را بر اساس
 مقالات یا ابواب تقسیم می کنند او بر اساس اسوار و مشارع تقسیم کرده
 است بنا بر این کتاب راحة العقل را به منزله شهری گرفته است که ابواب
 و فصول آن به منزله اسوار و مشارع شهر است. او کتاب را بر هفت سور
 و برای هر سور هفت مشرع قرار داده است. تاکید بر عدد هفت تطابق آن
 با هفت ستاره سیاره یعنی زحل و مشتری و مریخ و شمس و زهره و عطارد
 و قمر است که تاثیر بر موالید سه گانه جسمانی یعنی معدن و نبات و
 حیوان می گذارند. یعنی همان هفت اختری که ناصر خسرو در باره آنها
 گفته است:

ای هفت مدبر که برین پسرده سرانید
 تا چند چو رفتید دگر بساره برآئید
 کرمانی در این کتاب خداشناسی و جهان شناسی خود را بر اساس
 مبانی فلسفی با توجه به رموز و ایماهات اسماعیلی بیان می دارد و خود
 درباره اینکه مطالب کتاب دشوار است و خواننده باید خود را برای فهم
 آماده کند. مطالبی بیان می دارد. لذا در آغاز کتاب خواننده را تکلیف
 می کند که کتابهای دیگر او را مانند: المصابیح فی الامامة و میاسم
 البشارات و الرسالة الکافیة و تنبیه الهادی و المستهدی را بخوانند و
 برای اینکه خواننده با خواندن این کتابها متوغل در تاویلات اسماعیلیه
 نگردد و از ظواهر شریعت باز نماند توصیه می کند که خواننده کتاب
 الطهاره و کتاب دعائم الاسلام قاضی نعمان مغربی را بخواند و کتاب
 اخیر یعنی دعائم الاسلام از منابع محمدباقر مجلسی در تألیف کتاب



کرمانی



کتاب الانوار اللطيفة.

۳- داعی علی بن محمد اولید (متوفی به سال ۶۱۳ هـ) در کتاب ذخیره این داعی اخیر همان کسی است که کتاب دامغ الباطل خود را در رد کتاب فضائح الباطنية غزالی نوشته است کتاب دیگر حمیدالدین کرمانی کتابی است تحت عنوان «کتاب الرياض فی الحکم بین الصادین صاحبی الاصلاح و النصره». او در این کتاب می خواهد میان عقاید افراطی و تفریطی ابوحاتم رازی و ابوعقوب سجستانی درباره کتاب المحصول نخشی آشتی دهد. او در آغاز کتاب می گوید: چون من مشاهده کردم که شیخ ابوحاتم رازی مواردی از کتاب المحصول را که فاسد پنداشته اصلاح کرده است و شیخ ابوعقوب سجزی صاحب محصول را حمایت و نصرت کرده است، من تصمیم گرفتم گفته های هر يك از آن دو یعنی گفته کتاب الاصلاح و کتاب النصره را نقل کنم و میان آن دو بحق داوری نمایم. این کتاب با کوشش استاد عارف نامر در سال ۱۹۶۰ در بیروت منتشر شده است. از کتابهای مهم دیگر حمیدالدین کرمانی کتاب الاقوال الذهبية اوست که در آن به رد کتاب الطب الروحاني محمدبن زکریای رازی پرداخته او معتقد است که رازی نه روح را به خوبی می شناسد و نه درد آن را و صلاحیت ندارد که مداوا و درمان بیماری روح و نفس را توصیه کند. او در این کتاب اشاره به مناظره رازی با ابوحاتم رازی در مسائل نبوت و قدمای خمسه می کند و احتمال داده می شود توجه و تکیه رازی بر عقل و خاصع نگردانیدن آن را در برابر تعلیم امام فاطمی بر دعاه اسماعیلی گران آمده باشد از این جهت بزرگان آنان مانند ناصرخسرو در زادالمسافرین و ابوحاتم رازی در اعلام النبوه و حجة العراقرین حمیدالدین کرمانی در الاقوال الذهبية به رد پرداخته اند. این کتاب در سال ۱۳۵۶ به کوشش دکتر صلاح الدین الصاوی با مقدمه فارسی دکتر غلامرضا اعوانی در تهران به وسیله انجمن فلسفه چاپ شده است. مجموعه رسائل کرمانی (در سال ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م) با تصحیح و مقدمه دکتر مصطفی غالب در بیروت چاپ شده است. این مجموعه مشتمل بر سیزده رساله است با عناوین زیر:

- ۱- الرسالة الدرية فی معنى التوحيد و الموحد.
- ۲- رساله النظم فی مقابله العوالم.
- ۳- الرسالة الموسومة بالرضية.
- ۴- الرسالة الموسومة بالمعضية فی الامر و الامر و العا مورا.
- ۵- الرسالة الموسومة باللازمة فی صوم شهر رمضان.
- ۶- الرسالة الموسومة بالروضة.
- ۷- الرسالة الموسومة بالزهرة.
- ۸- الرسالة لاموسومة بالحاوية فی الليل و النهار.
- ۹- الرسالة الموسومة بمیاسم البشارات.
- ۱۰- الرسالة الموسومة بالواعظه.
- ۱۱- الرسالة الموسومة بالكافية فی الرد علی الهارونی.
- ۱۲- فی الرد علی من انکر العالم الروحاني.
- ۱۳- الرسالة الموسومة بخزائن الادلة.

این اجمالی بود از معرفی شخصیت علمی حمیدالدین کرمانی، و دانشمندان باید آثار علمی او را مورد بحث و تحقیق قرار دهند و به طور تفصیل اندیشه و افکار او را تحلیل و بررسی کنند تا در کتابهایی که درباره تاریخ اندیشه و تفکر در ایران تحریر می شود نام این دانشمند ناشناخته در ضمن سایر دانشمندان معروف یاد گردد و امیدواریم که این گفتار موجز، انگیزه چنین حرکتی گردد. ان شاء الله تعالی.

بحار الانوار است و بساز سفارش می کند که کتابهای مغازی حضرت رسول و مناقب اهل بیت و مثالب دشمنان آنان باید خوانده شود. کرمانی در بیان مطالب فلسفی از فیلسوفانی همچون کندی و فارابی و ابن سینا متأثر بود. مثلا کلمه «ایس» که در فلسفه کندی بر موجود اطلاق گردیده و بر «ایسات» جمع بسته شده است در راحه العقل دیده می شود و کرمانی درباره خداوند می گوید: «انه تعالی ان کان ایسا فلا یخلوان یكون اما هو ایس ذاته او غیره ایسه. و باطل ان یكون هو موسا لذاته اذ یقتضی ذلك انه لم یکن ایسا» و در برابر «ایس» کلمه «لیس» را به کار می برد و می گوید: «ان الذی لا اله الا هو محال لیسته اذ لو کان لیسا لكانت الموجودات ایضا لیسا». و در مورد نفس انسانی و استعداد آن برای پذیرفتن دانش که آن را به شمع تشبیه می کند که در برابر حرارت قرار گرفته و پذیرای هر صورتی شده است از فارابی متأثر است که خرد آدمی را به ماده ای تشبیه می کند که پذیرای هر گونه صورتی می باشد و در تقسیم نفس به نفس نباتی و نفس حیوانی و نفس انسانی از ابن سینا متأثر است که نفس را واحد و دارای قوای متعدد می داند. از بخشهای جالب کتاب راحة العقل آن قسمتی است که حدود سفلی را که مراتب دعوت فاطمیان باشد با حدود علوی که اجرام آسمانی باشند برابر می سازد و همان را ملاک ترتیب و نظم خلقت عالم وجود قرار می دهد و برای نشان دادن این عقیده جدول زیر را به خوانندگان عرضه می دارد.

- | |
|---|
| موجود اول / فلك اعلى / ناطق / رتبة تنزیل |
| موجود دوم / فلك دوم / اساس / رتبة تاویل |
| موجود سوم / فلك زحل / امام / رتبة امر. |
| موجود چهارم / فلك مشتری / باب / رتبة فصل الخطاب. |
| موجود پنجم / فلك مریخ / حجت / رتبة حکم. |
| موجود ششم / فلك شمس / داعی بلاغ / رتبة احتجاج. |
| موجود هفتم / فلك زهره / داعی مطلق / رتبة تعریف حدود علوی. |
| موجود هشتم / فلك عطارد / داعی محدود / رتبة تعریف حدود سفلی. |
| موجود نهم / فلك قمر / ماذون مطلق / رتبة اخذ عهد و پیمان |
| موجود دهم / طبایع زیر فلك / ماذون محدود / رتبة جذب نفوس |

مستجیبان

کتاب راحه العقل حمیدالدین کرمانی از منابع مهم متفکران اسماعیلی به شمار می رود و داعیان آن مذهب در بیان مطالب فلسفی و کلامی به آن استناد می کنند. از میان کسانی که از مطالب راحة العقل در کتابهای خود استفاده و بهره برداری کرده اند می توان دانشمندان زیر را نام برد:

- ۱- داعی ابراهیم بن الحسین الحامدی (متوفی به سال ۵۵۷ هـ) در کتاب کنز الولد.
- ۲- داعی محمد بن طاهر بن ابراهیم حارثی (متوفی به سال ۵۸۴ هـ) در

کتاب